

حوادث | ۳

آذرب

۸ هزار لیتر قیر قاچاق کشف شد

ر ضایی - هشت هزار لیتر قیر از یک دستگاه کامیون کشف شد. فرمانده انتظامی بیرجند گفت: ماموران پاسگاه حاجی آباد هنگام گشت زنی در محور بیرجند- قاین این محموله را توقیف کردند. سرهنگ «شاهوردی» ارزش محموله را ۳۲۰ میلیون ریال اعلام کرد.

۴۵هزار نخ سیگار قاچاق در اتوبوس

فرمانده انتظامی نهبندان از کشف ۴۵ هزار نخ سیگار قاچاق از یک اتوبوس خبر داد. به گفته سرهنگ «رحیمی»، کارشناسان ارزش محموله قاچاق کشف شده را ۱۵۰ میلیون ریال برآورد کردند. سرهنگ «زال بیگی» فرمانده انتظامی قاینات هم گفت: ماموران ایست و بازرسی شهرستان در بازرسی از یک اتوبوس، ۱۴ هزار قرص غیر مجاز ترامادول کشف کردند.

۳ تصادف ۲ قربانی گرفت

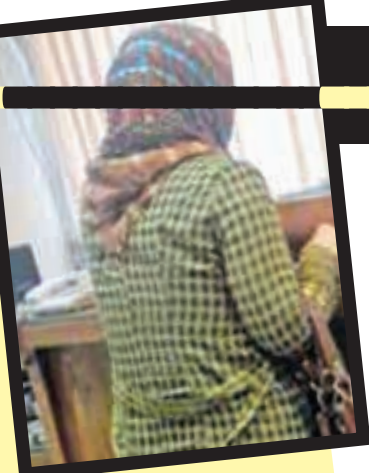
برخورد یک دستگاه سواری کیا با کشنده اسکانیاد در جاده طیس به یزد یک فوتی و سه مصدوم بر جا گذاشت. رئیس پلیس راه استان گفت: این حادثه ساعت ۷:۴۸ روز گذشته در کیلومتر ۱۰۵ جاده طیس به یزد رخ داد و سه مصدوم این حادثه با الگردد به بیمارستان طیس منتقل شدند. سرهنگ «رضایی»، نقض فنی اسکانیابر ادلیل حادثه اعلام کرد و افزود: یک عابر پیاده هم در برخورد پژو ۲۰۶ در جاده روستایی پیشبر، جان خود را از دست داد. به گفته وی، این حادثه ساعت ۱۰:۲۲ باامداد روز گذشته در کیلومتر ۴۵ جاده روستایی پیشبر به زهان زیر کوه رخ داد همچنین ساعت سه بامداد روز گذشته نیز در برخورد دو دستگاه ۴۰۵ حامل سوخت در ۳۵ کیلومتری قاین یک نفر مصدوم شد.

ردزنی ۵۱ کیلو گرم تریاک

۵۱ کیلو گرم تریاک پس از سه روز جست وجو کشف شد. فرمانده انتظامی در میان گفت: با دریافت اطلاعاتی مبنی بر دپوی مواد مخدر در نزدیکی مرز، موضوع بررسی شد. سرهنگ «دشتستانی» افزود: ماموران با همکاری هنگ مرزی گزیک پس از سه روز جست وجو در حوالی مرز افغانستان، محل دپوی مواد مخدر را شناسایی و در بازرسی از آن ۵۱ کیلو گرم تریاک کشف کردند.

از دواج دوستی تا اجبار

به علاقه محمد کردم و رضایت به از دواج دادم. محمد را حامی خود می دانستم اما شک و تردید در وجودم رخنه کرده بود. بارضایت خانواده به عقد هم درآمدیم و خیلی زود زندگی مشترک را شروع کردیم اما انگار سر نوشت با من، سر ناساز گاری داشت و محمد آن مرد روزهای اول نبود که ابراز عشق و علاقه می کرد. من که تجربه یک از دواج ناموفق داشتم و به هیچ کسی اعتماد نمی کردم شک هایم به محمد بیشتر شد و گاه و بی گاه که با تلفن صحبت می کرد یا شب ها دیر تر به خانه می آمد احساس می کردم با کسی در ارتباط است. در این میان طاقت محمد طاق و در گیری های او نیز با من شروع شد. حالا چند ماه از زندگی مشترکمان می گذرد و شک و بی اعتمادی من بیشتر و صبر محمد کمتر شده است و او برای اولین بار حسابی مرا کتک زد و باز سرافکنده به خانه پدر پناه بردم. آن هافکر می کنند من بیمارم در حالی که خودم معتقدم تجربه های تلخ گذشته و برخی رفتار پنهانی محمد، سبب دامن زدن به حساسیت هایم می شود و شکم بی مورد نیست. وضعیتم در زندگی جدید به حدی ترسناک تر از زندگی گذشته ام شده است که بعضی وقت ها با خود فکر می کنم جدایی از همسر اولم اشتباه بود و باید به زندگی سخت در کنار او رضایت می دادم و طلاق نمی گرفتم. حالا هم نمی دانم باید چه کنم.



بگیرد. او که از والدینش می ترسید؛ اوایل در مقابل طلاق مقاومت کرد و حتی بارها گفت که می خواهد زندگی با من را ادامه دهد ولی من که از کتک ها و خشم میلاد می ترسیدم رضایت ندادم و بالاخره طلاق گرفتم البته بعد از طلاق، از خانواده ام خیلی سر کوفت شدیم و قهر فامیل با پدرم اوضاع را بدتر کرد. سه سال از جدایی من گذشت تا این که با پسری آشنا شدم که بیش از حد به من محبت می کرد. شبانه روز پیاز عاشقانه می داد و من خام حرف های عاشقانه اش شدم. در شرایطی که از زمین و زمان برایم درد سر می بارید و حس می کردم خانواده ام تحمل را ندارند ترس از از دواج دوباره را کنار گذاشتم و خود را دلخوش

مهری اکبری—تجربه تلخ از دواج در گذشته و چشیدن طعم تلخ طلاق، سبب شد از از دواج گریزان باشد و نتواند دیگر به مردی اعتماد کند. از طرفی بعد از طلاق نگاه والدین به او سرتتر شد و دیگر تاب شنیدن طعنه و نیش و کنایه شان را نداشت و به یک ابراز محبت پاسخ داد اما...

حمیده ۱۹ ساله در ۱۴ سالگی از سر اجبار و بدون علاقه، به از دواج با پسر عمویش رضایت داد. او پدرش را مسبب این تجربه تلخ می داند و می گوید: در دوران نوجوانی به سر می بردم که رفت و آمد خواستگارها شروع و پدرم که شرایط از دواج من با پسر برادرش را مناسب دید مرا سر سفره عقد نشانند و چون توانایی مقابله با خواسته او را نداشتم به این وصلت تن دادم اما یک هفته نگذشت که ساز ناساز گاری من با میلاد و ناساز گاری او با من کوک شد. متوجه شدم میلاد نیز به اجبار و به خواسته والدینش و برای آن که خدمت سربازی اش راحت تر باشد تن به این از دواج داده است و هیچ میلی به من ندارد. شب و روز با هم در گیر بودیم و کتک زیادی از او خوردم. من که پدرم را مقصر این وضعیت می دانستم هر روز با حالت قهر از خانه فرار و دق دلی هایم را بر سر خانواده ام خالی می کردم. دو سال با جنگ و جدل گذشت تا این که سربازی میلاد به اتمام رسید. او که خود را جوانی در بند زن و

اکبری – «مدام به فکر عیاشی و خوش گذرانی است، توجهی به من و فرزندمان ندارد و با حمایت های بی جای مادرش عیاشی را حق خود می داند...»

خودش را شیرین معرفی می کند، جثه ای نحیف و لاغر دارد و در راهروی دادگاه راه می رود. گاهی کودکش را در آغوش می گیرد و با التماس از او می خواهد که آرام باشد. در باره درهای زندگی اش می گوید: باعث همه بدبختی ها و این وضعیت؛ خودم هستم. باید همان روز هایی که

در کوچه و خیابان با «فرهاد» قرار می گذاشتم فکر این روز ها را می کردم. اکنون پشیمانی فایده ای ندارد و تنها انگیزه ام برای زندگی همین پسر یک ساله ام است. بغضی سنگین در صحبت هایم مشهود است. کودکش امانش را بریده است اما مادر جوان با محبت، کودک را در آغوش می گیرد و با تکان دادن، بالاخره او را آرام می کند و می خواباند. حمیده که در خانه ای

تلنگر شیرین به فرهاد

قدیمی در اتاقی ۱۲ متری زندگی مشترکش را شروع کرده است، ادامه می دهد: ۱۶ ساله بودم که با فرهاد در خیابان آشنا شدم و با او طرح دوستی ریختم. هر چند معلولیت داشتم ولی او به این موضوع توجهی نداشت و همین ماجرا دلیلی شد که ارتباط مرا ادامه دهم و بدی هایش را ندید بگیرم. والدینم هوشیار تر از من بودند و معایب فرهاد، برایشان آشکار بود، می دانستند هدفش فقط سرگرمی و خوش گذرانی است بنابراین مرا از ادامه این کار منع کردند اما گوشم شنوا نبود. اصرار به زندگی با فرهاد داشتم و بالاخره هم بعد از شش ماه به خواسته ام رسیدم و با برگزاری مراسم عقدی ساده در محضر؛ زندگی مشترک را با وسایلی کمی آغاز کردیم. در همان سال اول زندگی صاحب فرزند شدیم و در درانی که باردار بودم فرهاد حتی یک بار برای دلخوشی ام حالم را نپرسید. او بیشتر شب ها را همراه دوستانش در پاتوقی که داشت به صبح می رساند و مواقعی هم که نیمه شب به خانه می آمد به دلیل مصرف حشیش، حال خوشی نداشت من نیز از ترس، سخنی به لب نمی آوردم. روزها از پس هم می گذشت و بر وخامت اوضاع افزوده می شد. هر بار که نزد پدر و مادر فرهاد رفتار بی توجهی های پسرشان گلایه می کردم اول با سر کوفت و طعنه این را از

معاون امور اجتماعی بهزیستی کشور در بیرجند مطرح کرد

اورژانس اجتماعی بزرگ ترین شبکه حمایت از سلامت اجتماعی در ایران

مدیرکل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی و معاون امور اجتماعی بهزیستی کشور در نشست خبری تبیین برنامه جامع توسعه اورژانس اجتماعی استان، از اصحاب رسانه به عنوان خبرنگار علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه یاد کرد که سه نقش حداقلی، مبنایی و حداکثری را در کنترل آسیب ها برعهده دارند و گفت: حداقل انتظار از اصحاب رسانه اطلاع رسانی به ویژه در حوزه افشار آسیب پذیر است چراکه بسیاری از افراد پاکمزکر مداخله، خانه امن، ندای مهر و خط ۱۲۲ آشنایی ندارند.

فعالیت ۳۵۰ مرکز اورژانس اجتماعی
دکتر «جعفری» رویکرد تأسیس اورژانس اجتماعی را حمایت از افشار آسیب پذیر و تقویت حقوق شهروندی دانست و با اشاره به گذشت دو دهه از عمر این نهاد، از وجود بیش از ۳۵۰ مرکز اورژانس اجتماعی در رفاه های خشن احمد بیشتر شد زیرا از سوی همسر اولش هر روز با او تماس می گرفت و ابراز عشق و علاقه می کرد و از سوی دیگر هزینه ای برای زندگی نمی پرداخت و مرابه کارگری در خانه های مردم مجبور می کرد. حالا هم طاقتم طاق شده است و تصمیم به جدایی گرفته ام.



وی از اورژانس اجتماعی به عنوان بزرگ ترین شبکه حمایت از سلامت اجتماعی در کشور یاد کرد که حدود چهار هزار و ۵۰۰ کارشناس در این حوزه فعالیت دارند و افزود: ۲۳۸ پایگاه خدمات اجتماعی در کشور فعال است و سال گذشته یک میلیون و ۸۰۰ هزار پذیرش در حوزه اورژانس اجتماعی انجام شد که براساس گزارش ها به ترتیب کودک، همسر، سالمند و در نهایت معلول آزاری رتبه های اول را به خود اختصاص می دهد.

وی هرچند اطمینان داد که ایران در رتبه بندی جهانی خودکشی، جزو کشورهای پرشیوع نیست، اما بر غفلت نکردن از این موضوع تأکید و تصریح کرد: سال گذشته هشت هزار مداخله در اقدام به خودکشی توسط اورژانس اجتماعی انجام و با ارائه خدمات مشاوره ای مانع از خودکشی شدوی طراحی و مهندسی زنجیره کاملی از حمایت اجتماعی را از سیاست های دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی برشمرد و با تأکید بر این که اورژانس اجتماعی مداخل و ورودی آسیب های اجتماعی است، از راه اندازی سامانه اورژانس اجتماعی طی اسال خبر داد و تصریح کرد: با توجه به این که در ارائه گزارش های اورژانس اجتماعی آمار مستدل و متقنی وجود نداشته، با راه اندازی این سامانه می توان بانک اطلاعاتی و منبع پژوهشی خوبی برای رصد آمار و آسیب های اجتماعی و برنامه ریزی هدفمند و نقطه به نقطه برای کاهش یا رفع آن ها انجام داد.

وی همچنین از طراحی سامانه پیامکی خبر داد تا با راه اندازی آن مردم و شهروندان به عنوان ناظر عملکرد اورژانس، ضعف ها و کم کاری ها در این حوزه را یاد آور شوند.

وی استفاده از خودروهای استیجاری و سواری و تأمین امنیت شغلی نیروهای فعال در این حوزه را از چالش ها و دغدغه های پیش روی



اورژانس اجتماعی برشمرد، هرچند اطمینان داد: خراسان جنوبی از نظر خودرو و تجهیزات وضعیت مناسبی نسبت به دیگر استان ها دارد.

راه اندازی سامانه طلاق

مدیر کل بهزیستی خراسان جنوبی هم از افتتاح مرکز کودکان معلول ذهنی پناهگاهی همزمان با سراسر کشور به صورت ویدئو کنفرانس و افتتاح اولین مرکز حمایت روانی اجتماعی دختران و خانواده ندای مهر فرشتگان و اولین مرکز حمایت از زنان آسیب دیده راه نوین در استان طی روز گذشته خبر داد و گفت: اسسال سامانه طلاق با همکاری دادگستری استان با هدف ارائه خدمات مشاوره ای به منظور کنترل طلاق راه اندازی خواهد شد.

«عرب نژاد» با اشاره به افزایش چشمگیر توانمند سازی زنان سرپرست خانوار به میزان ۲۷ درصد در سال ۹۷ از رشد ۱۹ درصدی در شاخص حمایت از کودکان بی سرپرست و پدسرپرست هم خبر داد و افزود: همچنین تماس با اورژانس اجتماعی یا خط ۱۲۳ در سال ۹۷ نسبت به سال قبل از آن افزایش ۳۰ درصدی داشته است. وی به رشد ۱۸۶ درصدی خدمت گیرندگان از خدمات فوریت های اجتماعی هم اشاره کرد و ادامه داد: آمار خدمات گیرندگان از ۳۰ هزار و ۹۶۴ مورد در سال ۹۶ به ۸۸ هزار و ۵۷۰ نفر در سال ۹۷ افزایش یافت.

آسیب های شایع در استان

معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی هم با اشاره به صرف هزینه های میلیاردی از ففاسازی تا جذب نیروی خرید خدمت و ... در حوزه اورژانس اجتماعی، میزان بهره گیری مردم جامعه از خدمات اورژانس را بسیار محدود دانست و گفت: این موضوع سبب تدوین طرح توسعه فرهنگی اورژانس در استان شد.

